



بررسی شخصیت زرتشت در آینه ادب فارسی

دکتر محمد معین صفاری*

*:عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

امروزه نام زرتشت به گوش هر ایرانی آشناست و با شنیدن نامش، سه اصل طلایی پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک که پایه‌ی تمام ادیان شده است، به ذهن تداعی می‌شود. با تحقیقات گسترده‌ای که مستشرقین اروپایی در قرن اخیر بر روی اوستا کتاب مقدس زرتشتیان انجام داده‌اند، چهره‌ی این پیمبر در نزد ایرانیان تابناکتر شده و به او و پیام انسان سازش که از لا به لای قرون متمادی به گوش آنها رسیده است، افتخار می‌کنند. اما آیا نام زرتشت در هر زمان چنین حسی را در شنونده برمی‌انگیخته است و و همچون زمان حاضر به ستایش و می‌داشته است؟ در ادبیات فارسی که بازتاب اندیشه‌ها و فرهنگ ما ایرانیان است، چه در متون نظم و چه در متون نثر از زرتشت و دین او یاد شده است. در شاهنامه‌ی فردوسی وی یکی از مهم‌ترین شخصیتها است و فردوسی او را پیامبری یکتاپرست و دین او را دین راستی و درستی می‌داند که زرتشت آن را از بهشت آورده است. در آثار شاعر برجسته‌ای چون سعدی نامی از زرتشت مشاهده نمی‌کنیم، شعری چون ناصر خسرو و نظامی و مولوی از او به عنوان "آتش پرست" یاد کرده‌اند و شاعران معاصر چون محمدتقی بهار و ادیب الممالک فراهانی از او به نیکی یاد کرده و او را ستوده‌اند. در این پژوهش برآن شده‌ایم تا سیمای زرتشت را در آثار شاعران و نویسندگان ایرانی جست و جو کرده و به نگرش آن‌ها درباره‌ی این پیامبر پی ببریم.

واژگان کلیدی: زرتشت، مزدیسنا، دین بهی، ادب فارسی